دیدار شبانه

ترجمهء حشمت جزنی

همه رفتند و هیچکس بازنگشت

دیری در انتظار نخواهی بود

در اسفالتی پوشیده از برگ.

باز به هم خواهیم رسید

در آداجیوی Adagio ویوالدی.

بار دیگر شمعها زرد و پریده رنگ و تار خواهند شد

در برابر افسون رؤیا،

امّا آرشه نخواهد پرسید

چگونه وارد خانهء نیمه شب من شدی.

این لحظه‏ها خواهند گذشت

در ناله‏ای میرا و گنگ،

در کف دستانم خواهی خواند

همان معجزه‏ها را.

و از ژرفای تو لرزه‏ات که سرنوشتت شده،

تو را از آستانم خواهد راند

به سوی بازگشت امواج یخ زدهء خورده به ساحل.

سپتامبر 1963،کوماروو Komarovo

کاریکاتور استالین،اثر دیوید لوین.